

حافظ و سیر تصحیح دیوانش



خواجه شمس الدین محمد - شاعر بزرگ ما در زمان حیات خود نیز گوینده ای نامدار و شاعری پرآوازه و مشهور و محبوب بوده. او برای کار ارزنده هنرمندانه خود یعنی شاعری ارزش زیاد قائل ...

زبان کلک تو حافظ چه شکر آن گوید / که گفته سخت می‌برند دست به دست
حافظ - خواجه شمس الدین محمد - شاعر بزرگ ما در زمان حیات خود نیز گوینده ای نامدار و شاعری پرآوازه و مشهور و محبوب بوده. او برای کار ارزنده هنرمندانه خود یعنی شاعری ارزش زیاد قائل بوده و این امر را بسیار مهم و خطیر می‌دانسته و به نظر می‌رسد سروده های خود را مرتب حک و اصلاح می‌کرد و #171;خوب تر؛ را جانشین #171;خوب؛ می‌کرده. شاید این همه نسخه بدل و تفاوت ضبط ها که در دیوان او وجود دارد تا حد زیادی نتیجه بازخوانی های خود حافظ و حک و اصلاحات و حذف و اضافات خود آن شاعر بی بدیل باشد. می‌دانیم او در زمان خود نیز به شاعری و غزلسرایی شهره آفاق بوده وصیت سخنش اقصی نقاط جهان را درنوردیده:

عراق و فارس گرفتی به شعر خوش حافظ!

بیا که نوبت بغداد و وقت تبریز است

یا:

حافظ حدیث سحر فریب خوشت رسید

تا حد مصر و چین و به اطراف روم و ری

البته مخاطبان حافظ قاعدتا مردمی شعردوست و باسواد و فاضل و ادب گرای بوده اند و طبعاً شعرهای او را که دست به دست دریافت کرده اند با علاقه مندی و دقت می‌خوانده و احیانا مورد تائید یا بالعکس انتقاد و اصلاح قرار داده اند. حافظ نیز که خود شاعر و شعردوست و شعرشناس بوده آن درک ها و دریافت ها را بدقت مورد امعان نظر قرار می‌داده بعضی را می‌پذیرفته و بعضی را بشدت رد می‌کرده است:

یاد باد آن که به اصلاح شما می‌شد راست

نظم هر گوهر ناسفته که حافظ را بود

که پیداست انتقادات و اصلاح های مخاطب فرهیخته و شعرشناس خود را می‌پذیرفته و پیشنهادهای اصلاحی او را در شعرهای خود اعمال می‌کرد، با همه آگاهی اش به عوالم شعر و شناختش از سروده های ارجمند خودش حتی نقد دشمنان را نیز مورد توجه قرار داد و احیانا می‌پذیرفته:

حافظ از خصم خطا گفت نگیریم بر او

ور به حق گفت جدل با سخن حق نکنیم

گاه نیز نقدها و پیشنهادهای اصلاحی مخاطبان خود را نمی‌پذیرفته و رای و گزینه خود را اصح گزینه های پیشنهادی می‌دانسته:

بارها گفته ام و بار دگر می‌گویم

که من دلشده این ره نه به خود می‌پویم

در پس آینه طوطی صفتم داشته اند

آنچه استاد ازل گفت بگو می گویم

من اگر خارم و گر گل چمن آرایی هست

که از آن دست که می پروردم می رویم

و گاه از پیشنهاد آنها می رنجیده و با تندی نظرشان را رد می کرده:

حسد چه می بری ای سست نظم بر حافظ

قبول خاطر و لطف سخن خدادادست

به نظر می رسد حافظ سروده های خود را حفظ و نگهداری می کرده و عنداللزوم حک و اصلاح می نموده، اما به گردآوری و تجميع آنها علاقه ای نداشته. محمد گلندام طبق مندرجات مقدمه اش بر دیوان حافظ که خود او گویا برای اولین بار گرد آورده و تنظیم نموده برای ترتیب و تنظیمشان همتی نمی ورزیده.

ما حافظ گلندام را اولین دیوان جامع مرتب شده یا منظم به حروف تهجی می شناسیم و آن را اساس کار نسخه های متعدد و ضبط های فراوان دیگر می دانیم، ولی بعید به نظر می رسد نسخه گلندام تنها نسخه پایه باشد؛ چراکه مطمئناً کسان دیگری هم سروده هایی از او را در اختیار داشته و اساس کار تصحیح های بعدی قرار گرفته اند.

از زمان خود حافظ تاکنون و مشخصاً از قرن 9 به بعد، ده ها و صدها بار اشعارش مورد نسخه برداری و تصحیح و تحشیه قرار گرفته. از نسخه ای که مثلاً میرزا شفیق وصال شیرازی از اشعار حافظ گرد آورده و تصحیح کرده و نیز یغمای جندقی - هر دو شاعران خوشنویس نامدار عصر قاجاری - که نسخه بسیار زیبا و خوشنویسی شده وصال در کتابخانه سلطنتی سابق نگهداری می شد تا نسخه سیدمحمد قدسی شیرازی که براساس حافظ گلندام تصحیح شده و خود اساس تصحیح های بعدی قرار گرفته. نسخه قزوینی - غنی یکی از مشهورترین و هنوز معتمدترین نسخه هایی است که در دوران معاصر از دیوان حافظ به سامان رسیده.

مرحوم اسماعیل مرآت، وزیر معارف وقت ابتدا از استاد ملک الشعراى بهار خواست نسخه قدسی را مورد بررسی و به گزینی قرار دهد و یک نسخه مورد اعتماد فراهم آورد تا در مدارس و کتابخانه های وزارت معارف و صنایع مستظرفه (وزارت فرهنگ، آموزش و پرورش بعد) مورد استفاده قرار گیرد. بهار به خاطر اشتغالش به کتاب مدرسی (دانشگاهی) سبک شناسی عذر خواست و سپس با دلالت محمدعلی فروغی - که خود یکی از مصححان دیوان حافظ است - محمدخان قزوینی که مورخ و مصحح متون تاریخی قرون گذشته بود و در فرانسه می زیست و دکتر قاسم غنی که دیپلمات بود و طبیب، مامور شدند و نسخه عبدالرحیم خلخالی را که براساس نسخه مورخ 827 هـ.ق تصحیح شده بود، اساس کار قرار دادند و نسخه مصحح و منقح خود را تهیه و تنظیم کردند و در سال 1320 ش. به چاپ رساندند که هنوز مورد اعتماد و اعتنای درخور حافظ پژوهان است.

مرحوم حسین پژمان بختیاری با مطالعه دقیق متن تصحیح شده قزوینی - غنی نسخه دیگری با عنوان لسان الغیب خواجه شمس الدین محمد حافظ شیرازی تصحیح و تحشیه کرد و ایرادهایی را که به ضبط علامه و دکتر داشت، رفع نمود. (1342 ش)

مرحوم پرویز ناتل خانلری نیز به تصحیح قزوینی - غنی ایرادهای متعددی داشت و خود با زحمات زیاد دیوان او را مورد بازنگری و تصحیح و تحشیه قرار داد.

موجب کمال غبن و اسف است که دستخطی از شخص حافظ به جانمانده و اوراق یا مسودات اشعارش در دست کسی نیست. به طور کلی از قرن هشتم هجری نسخه معتمدی وجود ندارد. آقای علی فردوسی نسخه ای را با نام نسخه بادلیان سال 1387 منتشر کرد که طبق اظهاراتش، از نسخه ای رونویس شده است که در زمان خود حافظ نگاشته شده و اینک به کتابخانه بادلیان انگلیس تعلق دارد، اما دلایل آقای فردوسی چندان متقن و مستند به نظر نمی رسد و استاد بهاءالدین خرمشاهی را واداشت جدا و با ذکر ادله و براهین این انتساب را مورد تکذیب قرار دهد و مستدلاً بفرماید که این نسخه مربوط به قرن نهم است نه هشتم.

دو نسخه دیگر هم از دیوان حافظ در همان کتابخانه بادلیان انگلیس وجود دارد که مشخصاً متعلق به قرن نهم هستند. از قرن 9 به بعد نسخ متعددی از دیوان حافظ کلاً یا جزئاً در اختیار داریم که در کتابخانه های معتبر دنیا محفوظند و ما فعلاً از ذکر اطلاعات کتابشناختی آنها می گذریم. مرحوم استاد ایرج افشار، پژوهنده ارجمند یکی از کهن ترین نسخه های دیوان حافظ را تصحیح و تحشیه کرده و با عنوان دیوان کهنه در سال 1348 ش. چاپ و منتشر نمود.

استاد ادیب برومند نیز غزلیات حافظ را مورد تصحیح و حاشیه نویسی و توضیح قرار داده و در سال 1367 توسط انتشارات پازنگ چاپ کرد. دکتر اکبر بهروز نیز همراه دکتر رشید عیوضی تصحیح تازه ای از دیوان حافظ به عمل آورده و توسط انتشارات امیرکبیر منتشر کرد.

دکتر سیدمحمدرضا جلالی نائینی با معاضدت دکتر نذیر احمد تصحیح دیگری از دیوان حافظ به عمل آورد و به چاپ رساند. دکتر یحیی قریب نیز از کسانی است که در عرصه تصحیح دیوان حافظ متحمل زحماتی شده است.

دکتر عبدالوهاب نورائی وصال نیز از کوشندگان خبیر و با صلاحیت این عرصه است که دیوان حافظ خوشنویسی شده توسط نیای خود وصال شیرازی را تصحیح و تحشیه و چاپ و منتشر نموده است. دکتر خلیل خطیب رهبر و نیز دکتر سلیم نیساری نیز دو نفر از مصححان مورد اعتماد دیوان حافظ هستند.

مرحوم سیدابوالقاسم انجوی شیرازی نیز از تصحیح کنندگان دیوان حافظ است و نسخه کاملی از دیوان حافظ را تصحیح کرده و در سال 1347 منتشر کرد.

مرحوم مسعود فرزاد هم ضبط های متعدد نسخ موجود در دسترس حافظ پژوهان را در کتابی با عنوان جامع نسخ حافظ تهیه کرد و با تصحیح تازه ای از دیوان حافظ به خواننده اجازه داد آن را با نسخه بدل های موجود مقایسه نماید. (1352) همان طور که قبلا گفته شد، استاد رشید عیوضی نیز یکی از تصحیح کنندگان دیوان حافظ است که در سال 1376 نسخه تصحیح شده خود را چاپ کرد.

از چاپ مشهور خلخالی نیز صحبت کردیم که در سال 1307 منتشر شده بود. همین چاپ را دو سه سال قبل بهرام اشتری مورد بازنگری جدی و دقیق قرار داده و نسخه منقح و مضبوط و مرتب و در خوراعتمادی به حافظ دوستان و حافظ پژوهان عرضه کردند.

شاعر معروف نوپرداز هوشنگ ابتهاج(هـ. الف سایه) نیز دیوان حافظ را مورد تصحیح قرار داده و ماحصل آن « حافظ به سعی سایه« است که سال 1374 منتشر شده و از اعتبار ویژه ای برخوردار است.

مجید یکتایی نیز یکی از مصححان دیوان حافظ است که در دهه 1320 به این امر مهم همت ورزید.

سیدمحمود سجادی / حافظ پژوه